

چرا شاگردان، هویت عیسی را بعد از زنده شدن، تشخیص ندادند؟ (لوقا فصل ۲۴ آیه ۳۱)

نویسنده مقاله: مهران پورپشنگ

دو تن از پیروان عیسی به دهکده ای می رفتند. ناگهان مسیح از راه رسید و با آنان همراه شد. علی رغم گفتگو میان آن ها با مسیح، دو عیسی را نشناختند. کمی بعد، مسیح به شاگردانش ظاهر شد (لوقا فصل ۲۴ آیات ۳۶-۳۷). آن ها ابتدا تصور کردند که روح می بینند. اگر شاگردان حداقل سه سال همراه عیسی بودند، چرا او را تشخیص ندادند؟

یک. پولس درباره تغییر بدن در بعد از مرگ چنین نوشت: "وقتی دانه ای در خاک می کارید، پیش از آن که سبز شود، نخست می پوسد و می میرد. هنگامی که سبز می شود، شکلش با آن دانه ای که کاشتید، خیلی فرق دارد... به همین صورت، این بدن زمینی ما که محکوم به مرگ و نابودی است با بدنی که زنده خواهیم داشت، تفاوت دارد، زیرا آن بدن هرگز نخواهد مرد" (اول قرنتیان فصل ۱۵ آیات ۳۶-۴۲).

به عبارت دیگر، بدنی که پس از مرگ خواهیم داشت، پر جلال است با قابلیت هایی بیشتر از بدنی که در این دنیا داریم. این به آن معنا نیست که ما انسان های غیر طبیعی خواهیم بود. بدن های جدید دارای استخوان و گوشت خواهد بود (یوحنا فصل ۲۰ آیه ۲۷).

دوم. شاگردان از پیشگویی های عهد عتیق درباره مسیح آگاه بودند، ولی نمی دانستند که رنج و عذاب مسیح راهی است برای نجات بشر از قلمرو گناه. بیشتر یهودیان معتقد بودند که پیشگویی های عهد عتیق درباره ظهور مسیح به عیسی که به امور نظامی و سیاسی علاقمند است، اشاره دارد. بنابراین وقتی مسیح بر روی صلیب مرد، آنان امیدشان را از دست دادند. در حالی که نمی دانستند مرگ عیسی، بزرگ ترین امید را در اختیار آنان گذاشته بود.

سوم. آنان دچار شک و تردید بودند و زنده شدن مسیح را باور نداشتند (لوقا فصل ۲۴ آیه ۱۱، یوحنا فصل ۲۰ آیات ۲۴-۲۵). با این توصیف، شک آنان به لجاجت تبدیل نشد، بلکه منجر به عمیق تر شدن ایمان و رشد روحانی آنان گردید. به یاد داشته باشید: شک به سوال منجر می شود و سوال به جواب منطقی.

چهارم. شاگردان چنان نومید و دلسرد بودند که بیرون آمدن از آن مستلزم وقت بود (یوحنا فصل ۲۰ آیات ۱۱ و ۱۵). غم و اندوه، چشمان شاگردان مسیح را بسته بود. مثلا مریم مجدلیه گریان بود و انتظار دیدن مسیح را نداشت. او ابتدا فکر کرد باغبان با او در حال گفتگو است.

پنجم. شاگردان با دیدن عیسی ابتدا تصور کردند که روح می بینند. آنان وحشت زده شده بودند (لوقا فصل ۲۴ آیات ۳۶-۳۷).

ششم. دوری مسافت نیز عامل عدم تشخیص هویت مسیح بود. چند تن از شاگردان در قایق بودند. آنان دیدند یک نفر در ساحل ایستاده است، ولی چون صبح زود بود و هوا هنوز نیمه روشن، نتوانستند ببینند که او کیست (یوحنا فصل ۲۱ آیه ۴).

هفتم. لباس مسیح در بعد از مرگ متفاوت بود. هنگامی که عیسی بر روی صلیب بود، لباس های او را سربازان رومی برای خود برداشتند (یوحنا فصل ۱۹ آیات ۲۳ - ۲۴). بعد از زنده شدن مسیح، پطرس به سوی قبر رفت و فقط کفن را دید (یوحنا فصل ۲۰ آیات ۶ - ۷). توجه داشته باشید که نکات مذکور "موقتی" بود. لحظاتی یا در مواردی دقیقی بعد شاگردان عیسی متوجه شدند که مسیح زنده مقابل آن ها حضور دارد.

مخالفان مسیحیت ادعا می کنند که شاگردان مسیح دچار توهم روانی بوده اند و آنچه را از زنده شدن مسیح بیان می کردند، در واقع چیزی جز توهم روانی نبوده است. در پاسخ باید گفت که شاگردان مسیح نه فقط ساده لوح نبودند، بلکه بسیار محتاط، شکاک و دیرباور بودند.

آن ها بعد از مرگ مسیح، به طور گروهی او را زنده دیدند. ظهورهای مسیح بر گروه های مردم واقع شد و هر فردی در این گروه ها، همان چیزی را می دید که دیگران می دیدند. بعد از چهل روز از زنده شدن مسیح، دیگر هیچ ظهوری از مسیح ثبت نشده است. اگر ظهورهای مسیح توهم بود، چرا یک مرتبه قطع شد و دیگر تکرار نگردید؟

اگر به فرضیه توهم معتقد باشیم، باید از خود بپرسیم که چرا شاگردان بلافاصله عیسی را نشناختند؟ حتی اگر فکر کنیم که این رویاها یا توهمات را خدا برای آن ها می فرستاد تا هدایت شان کند، چرا این کار را به نحو درست تری انجام نمی داد تا آن ها بلافاصله عیسی را بشناسند؟ در خصوص ظهورهای مسیح باید گفت که این پدیده نه از درون ذهن شاگردان، بلکه از بیرون بر آن ها حادث شد.

فرضیه توهم زمانی قابل قبول می بود که شاگردان حاضر به پذیرش واقعیت تلخ مصلوب شدن مسیح نمی بودند. آنان چنان نومید و دلسرد بودند که بیرون آمدن از آن مستلزم وقت بود. اگر اصرار داشته باشیم که این افراد دچار چنین وهمی شده اند و آن را به همه اعلان می کردند، پس باید بپذیریم که مسیح در انتخاب آن ها دچار اشتباه شده و افرادی ناپایدار و بیمارگونه را برگزیده بود.

آنچه مسلم است، توهم سیر و فرایند منطقی ندارد تا به هدف مشخصی برسد. کسانی که دچار توهم می شوند، هرگز نمی توانند قهرمان اخلاقیات گردند. اثر زنده شدن مسیح در دگرگونی افراد امر دائمی بود و آنانی که شاهدش بودند، تا پای جان در راه اعلان این حقیقت ایستادند. توهم هیچ گاه انسان را به انجام کارهای خارق العاده سوق نمی دهد. هیچ توهمی تاکنون دنیا را تکان نداده است.